فهرست

[اصول/ تعدیه حکم 2](#_Toc87274561)

[عوامل تعدیه حکم 2](#_Toc87274562)

[مقدمه اول 2](#_Toc87274563)

[نکات بحث 2](#_Toc87274564)

[نکته اول؛ پیشیه بحث اطمینان 2](#_Toc87274565)

[پیشینه بحث در فقه 3](#_Toc87274566)

[تفاوت بحث اطمینان در فقه و اصول 3](#_Toc87274567)

[احتمالات در بحث اطمینان 3](#_Toc87274568)

[مقدمه دوم 4](#_Toc87274569)

[مقصود از اطمینان 5](#_Toc87274570)

[نسبت اطمینان و قطع 5](#_Toc87274571)

[بررسی اطمینان از نظر روانشناختی 6](#_Toc87274572)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ تعدیه حکم

# عوامل تعدیه حکم

# مقدمه اول

گرچه مباحث قطع تمام نشد اما بخش مهمی از آن را بحث کردیم فقط بحث قیام امارات و مقام قطع مانده است

حجیت و اعتبار اطمینان که کمتر به طور مستقل و مبسوط در کلمات اصولیین و فقها بحث شده است.

# نکات بحث

آنچه که در اینجا باید تنظیم کنیم طی مجموعه‌ای از نکات و جهاتی از بحث باید توجه بشود

## نکته اول؛ پیشینه بحث اطمینان

در این مباحث مقدماتی نکته اول همان‌طور که اشاره شد این است که این بحث اطمینان به طور مستقل مطرح نشده است مرحوم شیخ اولین کسی است که در اصول احوال مکلف را نسبت به حکم ملاک قرار داده است و می‌گوید مکلف یا قاطع است یا ظان است یا شاک است.

در این تقسیم مطمئن اشاره‌ای نشده است به صراحت در اینجا اشاره‌ای در کلمات شیخ نسبت به حال چهارم نمی‌بینیم بلکه گفته شده است در مکلف یا قاطعٌ یا ظانٌ یا شاکٌ

به تبع ایشان کفایه و من تبع بر همین منوال پیش رفته‌اند و بر این احوال چیزی را نیفزوده‌اند و یا در توضیح این احوال که نسبت این‌ها با اطمینان چه نسبتی است عمدتاً ندارند

در این دهه‌های اخیر است که در اصول گاهی کسانی یک نقدی به این مسئله زده‌اند احیاناً در این مبحث قطع و ... ظاهراً در منتقل الاصول در همین‌جا یک پردازشی دارند و خیلی از وقت‌ها ضمن مباحث دیگری از اصول.

بنابراین اطمینان در اصول به این عنوان و مستقل از زمان شیخ تا امروز جایی پیدا نکرده است. الا در همین اواخر بعضی گوشه‌ای به آن پرداخته‌اند.

این در اصول است که باید نکته تکمیلی را گفت.

## پیشینه بحث در فقه

در فقه ذیل مباحث مختلف به شکل استطرادی و صریح به این مسئله اطمینان اشاراتی هست هر جا می‌خواهند بحث کنند که فلان موضوع با چه چیزهایی ثابت می‌شود به شکلی رفته‌اند ببینند اطمینان چه جوری است؛ مثلاً عدالت امام جماعت با چه ثابت می‌شود بعضی گفته‌اند اطمینان و بینه و کذا و کذا

یا در مسافت می‌خواهد احراز بشود با چه احراز می‌شود و امثال این‌ها جایی که می‌خواهند چیزی را احراز کنند در ضمن به بحث اطمینان پرداخته شده است و مرحوم سید یزدی در صلاة جماعة احراز عدالت به این پرداخته است که همان جا مرحوم آقا ضیاء نفی حجیت اطمینان دارد

این هم در فقه است که به تناسب مباحثی مطرح شده است از جمله در باب قضاء، انما عقدی بینکم بالبینات و ایمان آنجا ضمن قطع و علم قاضی بحث اطمینان گاهی به شکل یک فرع مطرح شده است

جا به جای فقه اشاراتی به این مسئله وجود دارد.

# تفاوت بحث اطمینان در فقه و اصول

در فقه غالباً از منظر اطمینان به موضوعات و شبهات موضوعیه بحث می‌شود نه احکام ولی در اصول آنچه که بیشتر مدنظر است حکم و منابع حکم است

## احتمالات در بحث اطمینان

اما نکته‌ای که در مقدمه اول ذیل این بحث باید توجه کرد این است که در همین متأخر از مرحوم شیخ بر اساس مکلف تنظیم شد که المکلف قاطع او ظان او شاک دو احتمال اینجا وجود دارد یکی اینکه اصلاً اطمینان به حساب نیاورده‌اند و مغفول بوده است بحث اطمینان احتمال دوم این است که مغفول نیست و در ذیل یکی از این‌ها مندرج است

فرض دوم دو احتمال هست مندرج در قطع است یا در ظن است

پس سه احتمال هست در تقسیم سنایی از زمان شیخ به بعد در اصول آمده است

1. اینکه مغفول است
2. ملحق به قطع است
3. ملحق به ظن است

ضمن اینکه برای هر کدام می‌شود شاهدی آورد ولی بعید نیست که مغفول واقع شده است برای اینکه اگر بگوییم قطع است احکامی برای قطع ذکر کرده‌اند که در اطمینان نیست اگر بگوییم الحاق به ظن است بعید است چون اطمینان را یک جوری اعتبار برایش قائل‌اند.

از این جهت است که سه احتمال برای آن وجود دارد عدم ذکر اطمینان در احوال مکلف در رسائل و بعد از آن

1. غفلت
2. الحاق به قطع
3. الحاق به ظن

احتمال سوم بعید است که این تقسیم را آورده‌اند میگویند اطمینان مانند ظن است این بعید است چون خودشان جاهایی تصریح به خلاف کرده‌اند

احتمال دوم این است که الحاق به قطع بکنند آن هم بعید است چون در قطع احکامی هست که حتماً در اطمینان نیست از جمله اینکه نمی‌شود حجیت قطع را سلب کرد درحالی‌که در اطمینان می‌شود و بنابراین ممکن است کسی بگوید غفلت است

غفلت هم سخت است این همه بحث کرده‌اند بگوییم غفلت کرده‌اند

درهرصورت سه احتمالی است که وجود دارد ولی مهم نیست

در همین مقدمه اول اینکه می‌گوییم فقه این مسئله توجه شده است و غالباً هم گفته شده است معتبر است منظور فقه متأخر صد سال و دویست سال اخیر نیست فقه قبل هم این بوده است به خصوص به اینکه نباید مقید به واژه اطمینان باشیم که شاید واژه‌های دیگر هم باشد که آن را افاده بکند.

این یک مقدمه در سابقه مسئله که در این سابقه جای بحث‌های بیشتری وجود دارد مثلاً اطمینان در عقاید و کلام مطلب مهمی است که مقصود چیست و چه حدی لازم است این بحث در سابقه را می‌شود گسترش داد

# مقدمه دوم

این است که قطع چند اصطلاح دارد

یک قطع به معنا الاخص دارد که در فلسفه گفته می‌شود که قطع مرکب است که علم به این است که این چنین است و غیر از آن هم نمی‌شود. کار نداریم

اصطلاح دوم این است که قطع یعنی عدم احتمال خلاف علم و باور به چیزی با انتفاع احتمال خلاف هیچ احتمال خلافی در ذهنش منقدح نیست. این همیشه آن قطع برهانی که در یقینیات و برهانیات می‌گویند نیست ولی واقعاً قطع است احتمال خلافی در ذهن منقدح نیست.

برهانی این است که این هست و غیر از این نمی‌تواند باشد ولی اینجا نمی‌گوید غیر از این نمی‌تواند باشد الآن می‌گویم همین است و احتمال غیر از این نمی‌دهم.

احتمال سوم این است که علم عرفی و قطع عرفی شامل مواردی که احتمال خلاف خیلی ضعیف است می‌شود علم و قطع 98.9% آن را می‌گیرد.

این سه اصطلاحی است که می‌شود برای قطع آورد

# مقصود از اطمینان

مقصود از اطمینان ظن قوی متاخم به علم است به حیثی که آن احتمال ضعیف خلاف، وجود دارد در درون شخص منتها این احتمال ضعیف خلاف دو حالت است

یک وقت این است کاملاً حالت ارتکازی و اجمالی است و تفصیلاً توجه به آن نیست ولی گاهی توجه تفصیلی هم هست (این تقسیم را بعداً کار داریم)

اطمینان آن است که احتمال خلاف وجود دارد اما فی نهایة ضعف و این دو حالت دارد

گاهی این احتمال ضعیف در ارتکاز این مطمئن است به نحو اجمال و توجه تفصیلی به آن نیست و گاهی توجه تفصیلی به این احتمال خلاف هست الآن می‌فهمد که یک درصد، نیم درصد، دهم درصد شاید این نباشد ولی قوت احتمال بالاست برای اطمینان.

# نسبت اطمینان و قطع

بر اساس این احتمالات نسبت اطمینان و قطع فرق می‌کند اگر به علم را به معنای دوم بگیریم اطمینان قسیم آن می‌شود جون علم این بود که احتمال خلافی نباشد در ذهن او ارتکازا یا تفصیلاً احتمال خلافی نباشد اگر احتمال سوم و معنای سوم قطع بگیریم قطع معنای عرفی می‌شود آنجا که احتمال خلاف نباشد می‌شود و همین‌طور آنجا که احتمال خلاف هست اما بسیار ضعیف است و ما اینجا قطع را به معنای دوم می‌گیریم و اطمینان را به این معنا که قسیم آن می‌گیریم.

قطع به معنای عرفی هم صد درصد را می‌گیرد هم 99% را می‌گیرد منتها این‌ها بیان اصطلاحات است ما آنچه را که دنبال می‌کنیم اطمینان غیر از علم است یک اطمینانی که احتمال خلاف در آن وجود دارد ارتکازا یا تفصیلاً

اما نکته‌ای که باید در اینجا افزود این است که الآن ما در آن سه واژه حالات روانی را خیلی ندیدیم جزو بحث کیف نفسانی مربوط به درجه اعتقاد و باور من به یک چیزی که علم است و ظن و شک در اطمینان یک چیز دیگر هم همراه شده است حال روانی سکون و آرامش نفس. درحالی‌که در واژه قطع و علم و ظن و شک آن جور چیزهای روانی مقصود نیست همان احتمال است درجات احتمال صد در صد است یا زیر 100% است یا پنجاه درصد است

اما در اطمینان که اینجا مطرح است می‌گوید سکون نفس و آرامشی که نفس پیدا می‌کند از نظر ادبی این‌طور است اطمینان آن سکون و آرامش است آن وقت این سکون و آرامش در ظن متاخم به علم است به آن تعبیر شده است و از آن تعبیر به اطمینان شده است به جای اینکه ظن متاخم به علم یا احتمال ضعیف گفته شده است اطمینان

در حقیقت تسمیه سبب به مسبب است علت است به معلول.

آنچه که سبب آرامش می‌شود آگاهی نسبت به آن درجه قوی باشد به حیثی که احتمال خلاف آن دیده نمی‌شود و ضعیف است.

این وجه تسمیه آن ظن متاخم به علم این است

منتها یک سؤالی هست این است که این آرامش حاصل صرف ضعف احتمال است یا ضعف احتمال به ضمیمه آن اهمیت محتمل است؟

# بررسی اطمینان از نظر روان­شناختی

از نظر روان‌شناختی این جور است؛ یک بار می‌گوییم احتمال که ضعیف بود ظنی که بیاید ظن متاخم به علم باشد آن را می‌گیرد و جلو می‌رود

یک بار این است می‌گوید اطمینان روان‌شناختی حاصل ضعف احتمال و درجه اهمیت محتمل است

لذا در جایی یک درصد را نمی‌بیند و آرامش پیدا می‌کند یک جایی چند دهم درصد را می‌بیند و بدون آن آرامش پیدا نمی‌کند

این یک سؤال است که مقصود از اطمینان همان صرف احتمال مقابل است و به‌عبارت‌دیگر ظن متاخم به علم است و به یک درجه‌ای که احتمال مخالف برسد از ضعف، مثلاً یک درصد باشد این اطمینان می‌شود یا اینکه در موضوعات به حسب محتمل اطمینان متفاوت است.